## خشت اول

# سفر به آینده را کی آغاز می کنیم؟

یکی از اصلی‌ترین اصول موفقیت یک مدیر یا رهبر سازمانی، هوشمندی برای تماشای آینده یا قدم زدن در هوای روزگار پیش رو است چرا که گذر از امروز و نگاه به گذشته یک امر عادی برای مدیریت است اما هوشمندی برای درک شرایط پیش رو و همچنین تخمین زدن برای روزهای سخت و سهل آینده، نیازمند بررسی و دقت در اوضاع است و دقیقا یک کار کارشناسی محسوب می شود. شاید طراحی سند چشم انداز برای کشور از همین دریچه مورد توجه بود چرا که گذراندن روزمره و سرکردن سال ها با ورق خوردن تقویم، کار خاصی نیست، نگاه با آینده آن هم با نقشه؛ هم موتور محرک است و نوعی نشانه گذاری و هم نوعی ریل گذاری برای فرار از بازی های سیاسی است. اینکه مسیر مشخص باشد، دیگر با جابه‌جایی احزاب و افراد، در طی کردن مسیر، خللی ایجاد نمی‌شود بلکه حرکت با تندی و کندی، بالاخره در مسیر ترسیم شده با توجه به نقشه پیش خواهد رفت.

مساله گرانی و تحریم های شدیدی که امروز بر نظام عزیز ما تحمیل شده، با ترسیم همین نقشه، قابل پیش بینی و حتی گذر بدون تلفات از گردنه ها بوده است. برای نمونه اگر دولت بر اساس مصوبات مجلس و یا نقشه کار هیئت وزیران، پیش‌بینی‌های خوبی از آینده مدنظر داشت، شاید امروز وضعیت بدین گونه نمی‌شد که اکثر اهالی نشر، در حالتی تعلیق وار، منتظر باشند تا شرایط بهتر شود و آنگاه حیات خود را ادامه دهند و بازار نشر این گونه به خاطر «کاغذ» فلج نمی شد.

در واقع اگر آینده نگری در میان مدیران فرهنگی ما همراه با دغدغه مطالعه وجود داشت، امروز ما باید جشن خودکفایی دیجیتالی شدن و مطالعه آنلاین و یا رونمایی از نسل جدید کتاب خوان های ملی با قیمت مناسب در کنار عرضه بهترین کتاب‌های روز به صورت الکترونیکی را برگزار می کردیم.

وقتی در سال ۲۰۱۱ میلادی، ۴۳ درصد افراد بالای ۱۶سال در امریکا از کتابخوان دیجیتالی استفاده کرده اند و تعداد این دستگاه‌ها از ۱۲میلیون در سال ۲۰۱۰به ۱۴/۷ میلیون دستگاه در سال ۲۰۱۱ رسیده است، زیاد خوب نیست که ما هنوز کلا با این مقوله، بیگانه ایم و تقریبا هم اراده ای برای درک آن و ایجاد زیرساخت‌های استفاده از آن در کشور دیده نمی‌شود. طوری که گویی ما قرار است تا صدسال دیگر به روال امروز، ناشر سنتی داشته باشیم و کتاب کاغذی به بازار بفرستیم. اگر علاقه وحشتناک جوانان به فضای دیجیتال را قبول داشته باشیم باید ناگزیر برای استفاده از این پتانسیل آستین بالا بزنیم. در معابر عمومی، یک نگاه سطحی کافی است تا مشخص شود که نسل ما چقدر سرگرم این دستگاه های جدید ارتباطی است، البته بیشتر به هوای اینترنت، پیامک بازی، گوش کردن موسیقی و بازی‌های رایانه ای نه به عنوان مطالعه کتاب. در حالی که به راحتی می توان از این فضای مطلوب نسل ما، برای ارائه محصول مناسب استفاده کرد. کمی همت می خواهد، کمی وقت و تعدادی کارشناس و قدری اعتبار ( از محل برگزاری جشنواره های متعدد بی فایده بیلان پرکن) به علاوه یک کمی همت و اراده.

این البته تنها مختص جوانان نیست؛ بر اساس رای گیری صورت گرفته در فوریه سال ۲۰۱۲ ، ۲۱درصد از بزرگسالان امریکایی اعلام کرده اند که در سال ۲۰۱۱ حداقل یک کتاب دیجیتالی مطالعه کرده اند. یعنی فناوری جدید فقط مطلوب جوان ها نیست !این یعنی نسل مادران و پدران ما هم وقتی مثلا قرآن و مفاتیح را برایشان در یک دستگاه نصب کنید و همزمان هم گوشی تلفن همراه داشته باشند هم قرآن، به طور حتم، از آن استفاده می کنند و لذت می برند کما اینکه این موضوع در کشور ما تا حد زیادی وجود دارد.

اینکه چرا کسی به فکر آینده نیست، شاید برگرد به مظلومیت فرهنگ و شخص شخیص کتاب. وقتی کسی کتاب نخواند، اطلاعات و دریافت هایش نیز در سطح باقی می ماند، می شود مدیر بولتنی و مسئول خبرنامه ای و پیامکی. عمق حرف هایش هم بر همین اساس است و تاثیر رفتار و برنامه هایش هم مثل یک پیامک، لحظه‌ای است! هفته کتاب، یعنی تلاش برای پرکردن همین جای خالی ها، وگرنه برگزاری جشنواره ها و اهدای جایزه در هر زمانی میسر است، تقویم خاطرما، معطل یک حرکت ماندگار در حوزه کتاب است؛ حرکتی که فرای شعارها و شعربافی های رایج باشد.

ما محکوم به پیشرفت هستیم و نسل ما اهل تاسف و درجازدن نیست، خودش حرکت خواهد کرد حتی اگر کسی به فکر نباشد؛ درباره کتاب هم این داستان تکرار خواهد شد. این چند سطر فقط محض تذکر بود .

■ **محسن حدادی**

## ساعت ۲۵

به نظر می آید دانستن با فهمیدن تفاوت دارد. همان طور که دیدن با نگریستن تفاوت دارد یا همان طور که شنیدن با گوش سپردن فرق دارد. شاید درست بر عکس هم باشد. شاید آنها که کم می دانند ولی دانسته هایشان تاثیر واقعی بر مشی و مشرب و راه و رفتار روزمره و ملموس زندگیشان گذاشته، بیشتر سزاوار عنوان فرزانه و دانا باشند. شاید آنها که زیاد کتاب خوب می خوانند، عقب تر از آنهایی باشند که یک کتاب خوب را زیاد می خوانند .

در زندگی داستایفسکی برای او موقعیتی پیش آمد که هشت سال فقط اجازه داشت یک کتاب را بخواند و آن کتابی نبود جز انجیل. او طی هشت سال حبس با اعمال شاقه در سیبری فقط انجیل خواند و این اجبار توفیقی برای او بود. شاید امروز از نظر تحقیق در مسائل الهیات مسیحی، جست وجوی رنج در عمق روان بشر و پیچیدگی های انعکاس آن در زندگی و اجتماع هیچ نویسنده ای در جهان، قابل مقایسه با داستایفسکی نباشد و این به خاطر همان بود که او یک کتاب را زیاد خواند .

## این...نت

ارباب صدای قدم ات می آید...هنگامه اوج ماتم ات می آید...
ما در تب داغ و غم تو می سوزیم، باز بوی محرم ات می آید...

*

دو کار در این دنیا خیلی سخت است؛ اول اینکه موضوعی را که در ذهن توست، وارد ذهن دیگری کنی، دوم پولی را که در جیب دیگری است، وارد جیب خود کنی. اگر کار اول را خوب انجام دهی معلم هستی، اگر دومی را خوب انجام دهی تاجر هستی. اگر هر دو را بخوبی انجام دهی زن هستی! و اگر هیچ یک را نتوانی انجام دهی می شوی شوهر !

*

دوست داشتن همیشه گفتن نیست، گاه سکوت است،
گاه نگاه است و گاه انتظار...

*

ای باور روزگار افسانه، بیا!/ دلخوش به توام، تا به در خانه بیا!
افتاده ای یک هفته عقب، می ترسم/ ای همره ماهانه، یار انه، بیا!

*

در شهری که خورشید را به قیمت شمع هم نمی خرند،
پروانه شدن تباهی است.

*

عطرهای خوب، شیشه خالی شان هم بوی خوب می دهد...
درست مثل جای خالی تو!

*

پاییز را دوست دارم، اگر بارانش تنها برای شستن غم های تو باشد!

---

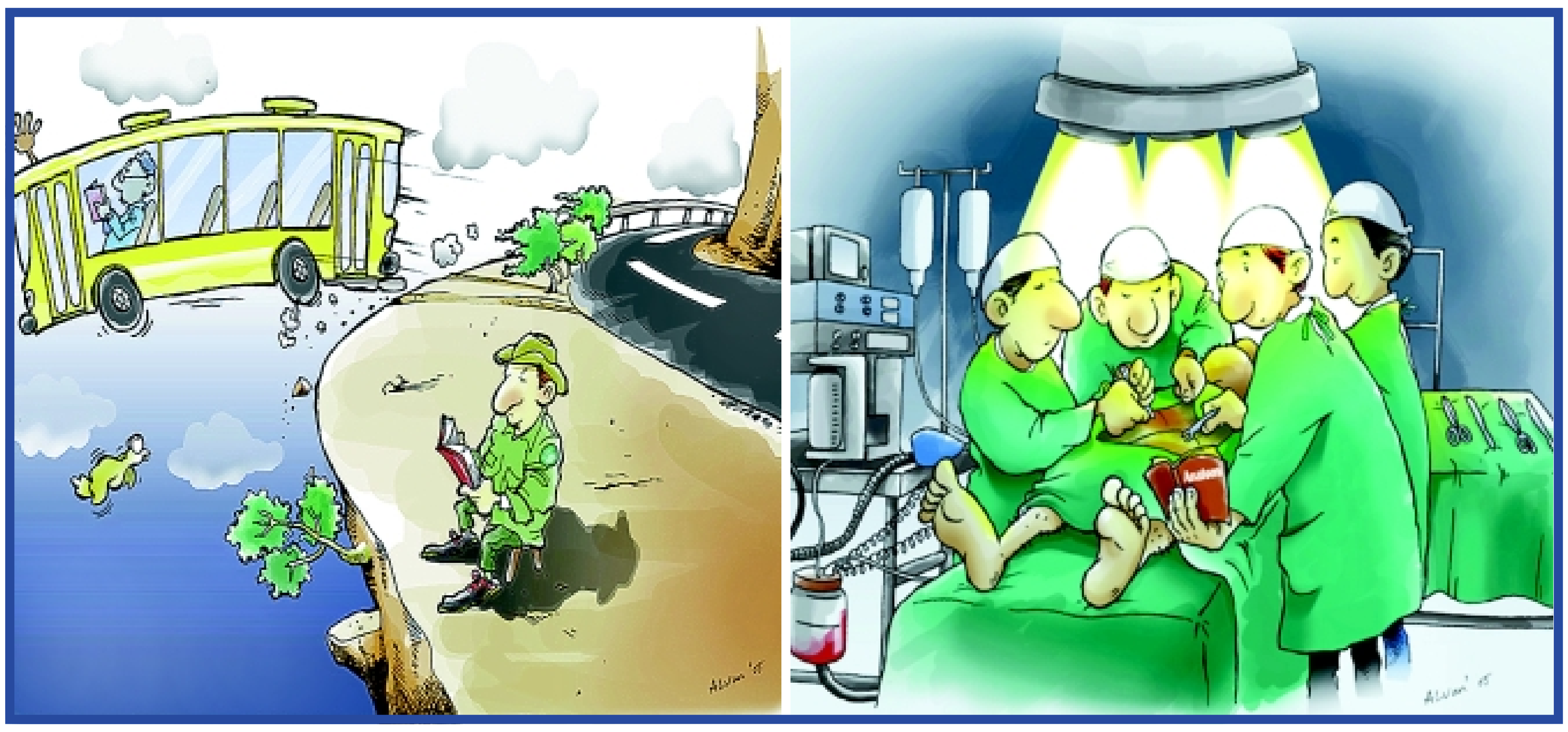

# یادم تو را فراموش!

## بهانه ای برای ملاقات با یار مهربان در هفته ای که «مردم» در آن حضوری ندارند

**داستان کتاب در کشور ما یک تراژدی بی پایان است و با توجه به اینکه فرهنگ زیر سایه سیاست در کشور ما نفس می کشد و هیچ اعتباری برای خود به عنوان یک شاخه اصلی و مادر حرکت مردم در کشور ندارد، نمی توان زیاد از آن توقع داشت . با این حال برگزاری هفته کتاب در کشور از آن دست فعالیت های بی بو و رنگی است که تنها و تنها برگزار می شود و هیچ کسی از خروجی آن برای مردم به عنوان مخاطب اصلی خبری ندارد به عبارت بهتر باید گفت هفته کتاب یک دهم نمایشگاه کتاب هم مخاطب مردمی ندارد و شوق و شوری میان مردم ایجاد نمی کند . همین الان اگر از خود اهالی رسانه بپرسید در چه هفته ای قرار دارید هم شاید بیش از نیمی از آنها پاسخ را ندانند . نسل سوم امروز ضمن معرفی یک بسته پیشنهادی برای مطالعه - اگر اوضاع اقتصادی تان اجازه داد سمت کتاب بروید! - شلوغ بازی مدیریتی در این هفته به علاوه رفتار حرفه ای کشوری مثل ایالات متحده امریکا برای فرار از بحران کتاب نخواندن نسل های جدید را بررسی می کند ؛ ما معتقدیم که هفته کتاب تنها و تنها یک ماراتون هزینه بر برای ادارات دولتی و نهادهای مختلف کشور است تا به یکدیگر فخرفروشی کنند که ما در حوزه کتاب این کارها را انجام دادیم ؛ می دانید که «کتاب» اگر هیچ جایی در زندگی مردم و مسئولان نداشته باشد اما کالای لوکس و با کلاسی(!) است که در دست گرفتن ش هم کلی اعتبار آور است ؛ ضمن اینکه رهبر انقلاب هم تاکید زیادی بر بحث کتاب و کتابخوانی دارند ؛ در نتیجه بیلان های کاری در موارد زیادی به درد رزومه سازی می خورد!**

■ تحریریه نسل سوم

### فصل اول: چرا هفته کتاب؟

ستاد برگزاری هفته کتاب همه ساله با حضور بیش از ۷۰ نهاد متنوع تشکیل می شود و سعی بر این است با افزایش تعداد سازمان های مشارکت کننده، هم بستر مناسبی برای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در کشور ایجاد شود و هم آمار سازمان های شرکت کننده بیشتر جلوه کند! اما نکته اصلی همین جاست؛ هرکسی دوست دارد، خودی نشان بدهد و در این میان هم «کتاب» کاملا غریب است و غریبه و هم «کارشناس کتاب» و هم «مردم». در واقع یک عده دور هم جمع می شوند، برنامه های تکراری و گاه کاملا بی خاصیتی را برگزار می کنند و خودشان می آیند و خودشان افتتاح می کنند و خودشان برگزار می کنند و خودشان از خودشان تقدیر می کنند و خودشان عکس و فیلم می گیرند و خلاص! اگر بپذیریم هفته کتاب یعنی هفته ای برای آشتی مردم با کتاب، اولا باید این هفته به صورت مردمی و یا با محوریت مردم برگزار شود و ثانیا از این قبیله گرایی ها پرهیز شود. واقعا اگر اراده ای برای کار ریشه ای و هدفمند و کارآمد در این حوزه وجود داشته باشد، باید طرح های تک منظوره و بیلان های مدیریت چاق کن تبدیل شود به طرح های سراسری و ملی و مردمی. ضمن اینکه تا مسئول برگزاری هفته کتاب، اهل کتاب نباشد نمی تواند مردم را اهلی کند تا با کتاب انس بگیرند. اصلا یک پژوهش میدانی و آکادمیک روشن می کند که مسئولان این همه نهاد مدعی هفته کتاب، شاید زمان مطالعه آخرین کتابی که دست گرفتند به سالها قبل و یا حتی دوران دانشجویی شان برسد! چنین مدیری هنوز تعریف دهه ۶۰ را از بازار کتاب دارد و نمی داند در دنیا چه خبر است و ما کجا ایستاده ایم! همین می شود که یک اتوبوس آدم مدیر به فرانکفورت و بزرگ ترین نمایشگاه کتاب جهان می روند و بدون هیچ دریافت تازه ای به کشور باز می گردند و بعد تازه جلسه می گذارند و در آن اعلام می کنند:«باید راه های حضور بهتر و گسترده تر کشورمان در این رویداد فرهنگی بررسی شود!»

یک نفر نیست بپرسد آیا ما برای اولین بار در این نمایشگاه حاضر شدیم که چنین نتیجه ای از حضور خود گرفته ایم یا اینکه بعد از ۶۰ دوره برگزاری نمایشگاه و بیش از ۱۵دوره حضور ما در آن، عبارت «بررسی شود» همخوانی درستی با این اعداد و ارقام دارد؟!

هدف هفته کتاب چه مدیران ما قبول کنند و چه نکنند، ملاقات بی واسطه مردم با کتاب است؛ مردم هم شامل همه مردم در هر سن و سطحی از علاقه و علم هستند؛ از کودک دبستانی تا استاد دانشگاه، از بانوی خانه دار صاحب فرزند تا نجاری که می خواهد اوقات تنهایی اش را در مغازه با کتاب پر کند...و این یعنی باید نقشه ای برای همه در دست داشت و نه جدولی برای پر کردن اعداد و ارقام و آمار بی مزه!

### فصل دوم: زحمت می کشیم...

با نگاهی به برنامه های اعلام شده توسط نهادهای مختلف، نکته دیگری به ذهن خطور می کند آن عدم کارشناسی لازم در اعلام این نوع برنامه ها از سوی نهادهای شرکت کننده است چرا که اگر اندکی دقت در این کار صورت گرفته بود (اقدامی نظیر ارسال سخنان رهبری درباره کتاب و یا درج پیام های ایشان درباره کتاب در فیش حقوقی کارمندان) اصولا برنامه محسوب نمی شود که بعدها بخواهد برای تایید عملکرد مثبت حتی مورد استناد قرار بگیرد .

تیتر برخی اقدامات نهادهای مختلف را با هم بخوانیم:

- عضویت رایگان هیئت های مذهبی در بیش از دو هزار کتابخانه تحت پوشش
- ایراد سخنرانی درباره اهمیت کتاب و کتابخوانی از سوی ائمه جماعات تحت پوشش
- اجرای سرود همگانی «یار مهربان» در سطح مدارس کشور
- حمایت از تالیفات دانش آموزی
- دعوت از نویسندگان و مولفان در مدارس
- اختصاص ساعت «مطالعه مفید» در برنامه درسی دانش آموزان
- تشویق والدین به خرید کتاب
- ارسال شعار «هفته کتاب» از طریق پیامک
- انعقاد جملات مقام معظم رهبری در فیش حقوقی کارکنان ارتش
- اجرای برنامه زنگ انشاء در مدارس با موضوع «کتاب و کتابخوانی »
- سخنرانی با موضوع کتاب و کتابخوانی
- نصب بنرهای تبلیغاتی
- ارسال پیامک درباره کتاب و کتابخوانی در شهرستان ها
- نصب بنرهای تبلیغاتی مزین به فرازهایی از فرمایشات مقام معظم رهبری در حوزه کتاب و کتابخوانی
- طراحی پوستری با مضمون «گل زیباست، شکلات شیرین است ، اما کتاب چیز دیگری است»
- بازدید کارکنان سازمان از کتابخانه های بزرگ سطح تهران
- درج تبریک هفته کتاب در سربرگ نامه های اداری و فیش های حقوقی واحدهای تابعه سازمان
- چاپ و نصب بنر به مناسبت هفته کتاب و توزیع بروشور
- درج پیام تبریک و انعکاس برنامه ها و نام های هفته کتاب بر روی سایت های تمامی واحدهای تابعه
- انجام نظرسنجی با موضوع هفته کتاب توسط مرکز افکارسنجی
- تولید اخبار هفته کتاب
- تجدید پیمان کتابداران مساجد به همراه غبارروبی اولین جمعه
- دراختیار گذاشتن ۵۰٪ تابلوهای شهری جهت تبلیغات هفته کتاب

حالا شما تنها و تنها هزینه بیلبوردها و پوسترها و بنرهای تبلیغاتی همین نهادها را در نظر بگیرید که اگر قرار بود با همین اعتبار، برای مردم کتاب خریداری شود و هدیه داده شود، چه اتفاقی می افتاد. البته که طبق همان مثل قدیمی که دو پادشاه در یک اقلیم نگنجند در کشور ما هم چند نهاد دور یک میز نگنجند مگر اینکه تابلوی خود را داشته باشند در واقع «امضای» کار برای دوستان خیلی مهم تر از خود «کار» است و بازهم غایب همیشگی «کتاب» است و «مردم»!

### فصل سوم: کتاب بازها و کتاب سازها

در کشور ما رسم شده که کتاب سازی را تحویل بگیرند و اصولا کاری به تولید فکر و اندیشه نداشته باشند، به همین جهت است که دوستان نهادهای مختلف -فرهنگی و غیرفرهنگی- خودشان دست به کار می شوند و «کتاب» تولید می کنند! بعد باید از تولید خود دفاع کنند، در نتیجه یک جشنواره ای جایزه ای چیزی راه می اندازند و آن را مورد تجلیل قرار می دهند و در ادامه هم در رودربایستی گیر می کنند و این جایزه را ادامه می دهند و دست برقضا همین رودربایستی باعث می شود آن تولید(!) را هم ادامه دهند تا هر ساله برگزیده هم داشته باشند! این بود داستان کتاب سازی در ادارات و نهادهای مدعی فرهنگ که اصولا فکر می کنند خیلی زرنگ تشریف دارند؛ البته این کتاب ها اصولا در بازار عرضه نمی شوند و خریداری هم نمی شوند، آن نهاد محترم کتاب را در تیراژ بالا منتشر و به صورت رایگان برای دیگران می فرستد و کارمندان خود را هم تغذیه می کند. چاپ های متعدد آن را هم با هماهنگی بروبچ(!) به ارشاد و نهاد کتابخانه ها و کتابخانه ملی و ...می فروشد و در خبرسازی هایی اعلام می کند که این کتاب خوب و تحسین شده ما در جایزه فلان، به چاپ پنجم رسید! در این میان اگر از مسئول محترم آن نهاد یا دبیر جشنواره مذکور بپرسید این کتاب را خوانده اند، پاسخ منفی است.

### فصل چهارم: چه باید کرد؟

هفته کتاب یعنی کتاب به راحتی در اختیار علاقه مند آن قرار بگیرد؛ یعنی در هرجایی اگر کسی اراده کرد، کتاب مورد علاقه اش را تهیه کند. برپایی نمایشگاه های کتاب که اصلی ترین فعالیت نهادهای برگزاری هفته کتاب است، باید هدفمند شود، به عبارتی نمایشگاه کتاب کودک، نمایشگاه کتاب خانواده، کتاب علمی، کتاب های ادبی، مرجع و...هر کدام هم در محل خاص خودش یا به صورت تجمیعی در محل های مورد وثوق و پر رفت و آمد مردم. همچنین بسته های رایگان پیشنهادی در کنار بولتن های محتوایی وضعیت نشر در کشور که معرفی تازه ترین و بهترین آثار هر حوزه را به مردم ارائه دهد. در واقع مشکل کتاب خوانی در کشور ما اول «توزیع» نامناسب و دوم ناآگاهی مردم از بازار کتاب است. آن طور که مردم از تازه ترین گوشی تلفن همراه فلان شرکت خارجی را با جزئیات تمام خبر دارند، از بهترین و پرفروش ترین کتاب های یک سال گذشته هیچ خبری ندارند؛ نهادهای متولی اگر واقعا دلسوز وضعیت نشر و سرانه مطالعه هستند باید و باید تصمیم بگیرند که نمایش های تکراری و بی فایده را کنار بگذارند، کتاب معرفی کنند و کتاب به دست مردم برسانند. البته تبلیغات بدون عرضه هیچ فایده ای ندارد؛ باید کتاب در نقاط مختلف کشور باشد و تبلیغش کرد. اینکه کتابی را به مردم معرفی کنیم و بعد کلا ۱۱۰۰ نسخه از آن کتاب در دسترس باشد که تهران را هم به زور تامین می کند چه برسد به کشور...

### فصل پنجم: آن سوی آب ها

پس از تحولاتی که در عرصه ارتباطات و اطلاعات روی داد، تحولاتی که نقطه آغاز آن را اختراع تلگراف در سده نوزدهم می دانند، و سپس رواج یافتن رسانه های ارتباطی همگانی، به ویژه در سالهای اخیر با گسترش شبکه های ارتباطی و اطلاع رسانی، موضوع انتقال اطلاعات از راه نشر کتاب با مسائل تازه ای روبه رو شد که طبعاً در سیر تحول کتاب بی سابقه بوده است. در این سیر تحولات به طور حتم روشهای سنتی مثل کتابهای چاپی نیز دستخوش تغییرات اساسی شده اند که به پیدایش کتابهای الکترونیک و به طبع ابزارها و دستگاههای کتابخوان نقطه شروع آن محسوب می شود. در نشر سنتی پدید آورندگان معمولاً با کوشش های فردی خود آثارشان را پدید می آورند، دستنوشته ها را به ناشر می سپردند، ناشر با سرمایه و تخصص خود دستنوشته را به اثر چاپی تبدیل می کرد، به بازار کتاب می فرستاد و کتابخوانان آنها را می خریدند یا از کتابخانه ها و دیگران امانت می گرفتند و می خواندند و به این ترتیب گردونه نشر کتاب به حرکت خود ادامه می داد ولی در نشر جدید تمام روابط میان ناشر و نویسنده تغییر کرده و خواهد کرد. ناشران برای برقرار ساختن رشته جدید پیوند میان پدید آورنده جدید و خواننده جدید به تدابیر و امکاناتی نیازمند هستند که کلید آن به دست عصر اطلاعات است. بر اساس آمارها، اکنون حدود ۴۰هزار ناشر در آمریکا سالانه بیش از ۵۰۰هزار کتاب چاپ می کنند که هر سال به تعداد کتابهای الکترونیک افزوده و از موارد سنتی کاسته می شود. بر اساس گزارش سایت معروف آمار آمریکا موسوم به «استاتیستا» وضعیت کنونی نشر کتاب در آمریکا و دیگر کشورهای جهان به سوی دیجیتالی شدن پیش می رود و آن گونه که این سایت گزارش کرده در سال ۲۰۰۹ فروش کتاب الکترونیک حدود ۵۵۱میلیون دلار بود در حالی که این رقم در سال جاری به ۳۳۷۱ میلیون دلار رسیده است و طبق تخمین کارشناسان تا سال ۲۰۱۵ به رقم ۵۵۷۱ میلیون دلار خواهد رسید.

### فصل ششم: یک گزارش خواندنی

مجله مشهور فوربس در گزارشی درباره وضعیت کنونی و آینده کتاب و نشر کتاب به بروز پدیده اپلیکیشن یا برنامه های کاربردی کتابخوان دیجیتالی اشاره می کند و می نویسد هرچند چاپ کتابهای سنتی در حال حاضر یکی از اولویت های انتشاراتی معروفی مثل دانشگاه هاروارد و آکسفورد محسوب می شود ولی این مسئله اجتناب ناپذیر است که گرایش نسل جدید به سمت کتابهای دیجیتالی رفته است. بخش اول این گزارش پنج قسمتی به قدرت گرفتن روزافزون سایت های فروش کتابهای الکترونیک مثل آمازون می پردازد که توجه اصلی خود را روی فروش اینگونه کتاب ها متمرکز کرده اند. دستگاه کیندل و برنامه های مربوط به آن یکی از محبوب ترین ابزارهای قرن حاضر در میان کتابدوستان است و به نظر می رسد کسی در مقابل جریان کتابهای الکترونیک مقاومت نخواهد کرد. در بخش دوم گزارش فوربس می خوانیم که ناشران سنتی هر روز یکی پس از دیگری میدان را برای ناشران الکترونیک خالی می کنند و هرچند هنوز هم چاپ و فروش کتابهای کاغذی طرفداران خاص خود را دارد ولی به نظر می رسد خرید و فروش این کتابها نیز از طریق ابزارهای دیجیتالی و شبکه های آنلاین صورت می گیرد. در قسمت سوم گزارش مجله فوربس به همین روش ناشران سنتی اشاره شده که چطور با این مسئله کنار آمده اند. انتشارات معروفی مثل دانشگاه هاروارد روش چاپ کتابهای مرجع خود روی کاغذ را کنار نگذاشته است ولی برای توزیع و فروش آنها سایت و وبلاگ های متعددی ایجاد کرده اند. انتشارات دانشگاه هاروارد در حال حاضر کتابهای خود را از طریق وبلاگ و مجله های الکترونیک اختصاصی خود می فروشد و در حقیقت هیچ مرجع و واسطه دیگری نمی تواند آنها را به دست مخاطب برساند. در نهایت اینکه در بخش های چهارم و پنجم گزارش به آینده نشر کتاب در جهان اشاره دارد که چگونه شرکت های انتشاراتی بزرگ در جهان به شرکت هایی دوزیستی تبدیل شده اند که مجبور هستند برای حیات خود در هر دو فضای خارج و داخل شبکه های آنلاین زندگی و کار کنند. شرکت های بزرگ انتشاراتی امروزه مجبور هستند مدلی از نشر کتابهای الکترونیک را به نویسندگان پیشنهاد کنند که آنها هم از سیر نشر این کتابها عقب نمانند. شاید نشر کتاب الکترونیک به خودی خود کار ساده ای باشد ولی این شرکت از طریق تبلیغات این کتابها نویسنده را مجاب به همکاری و نشر کتابهای الکترونیک با همکاری آن شرکت ها می کنند. به طور کلی باید گفت آینده چاپ کتاب به سوی کلمات آنلاین و کوتاه می رود و در آینده ای نزدیک به نظر می رسد تنها کتابهای مرجع دانشگاهی روی کاغذ منتشر خواهند شد.

### فصل آخر: آغاز عصر طلایی

این بازار داغ رقابت در دنیای کتابهای الکترونیک تا آنجا پیش رفته است که گوگل نیز به عنوان قدرتمندترین سایت جست وجوی اطلاعات در اینترنت وارد این عرصه شده است. تا قبل از پایان سال جاری میلادی، گوگل اعلام کرده که بخش فروش کتابهای دیجیتالی خود را راه اندازی خواهد کرد. در حال حاضر آمازون یکی از بزرگ ترین وبسایت های فروش کتابهای دیجیتالی است و ادعا می کند که بیش از ۸۰ درصد بازار را در دست دارد. رقابت در بازار کتابهای الکترونیک نیز تولیدکننده های ابزارهای این کار را به تکاپو انداخته است و هر روز شاهد کاهش قیمت های دستگاههای ایی ریدر (reader-e) یا همان کتابخوان های الکترونیک هستیم که تاثیر بسزایی در افزایش گرایش به سوی این کتابها داشته است.

در این دنیای کتابهای الکترونیک برخی ناشران تلاش کرده اند از اینترنت به نفع خود بهره ببرند. به عنوان مثال Tor.com وب سایت کاملی برای علاقه مندان به کتاب های علمی-تخیلی و فانتزی است که همه کتاب های این ژانر را به اعضا معرفی می کند و توسط یک ناشر راه اندازی شده است. ناشری دیگر یک گروه اینترنتی با تمرکز بر شعر ایجاد کرده است و اشعاری از کتاب های چاپ خود را روی وب سایت قرار می دهد. این ناشر در ۶ هفته اول بعد از این اقدام با افزایش ۵۰ درصدی فروش مواجه شد.

در واقع بسیاری از فعالان عرصه نشر بر این باورند که تحولات تکنولوژیک در جریان، می تواند منجر به آغاز یک عصر طلایی مطالعه شود که در آن متون دیجیتال در دسترس افراد بسیاری قرار خواهند گرفت.

## خط خطی

ضمن تبریک هفته کتاب، بازگشت میرزا قلمدون به عرصه مطبوعات را تهنیت می گوییم و امیدواریم این بازگشت تداوم زیادی داشته باشد اگر بدخواهان میرزا بگذارند.

- **بلیت هواپیما ۶۰ تا ۷۰ درصد گران شد .**

انصاف داشته باشید، وقتی «میوه» به خاطر گرانی پلاستیک و «ماست» به خاطر گرانی دبه(!)، گران شده، بلیت هواپیما نباید به خاطر گرانی کاغذ، گران شود؟ آخر چرا برخی رسانه های علیه دولت، این همه جنجال می کنند، تازه ظرف های مواد غذایی داخل هواپیما که سرجمع، ۲هزار تومان هم نمی شود، از پلاستیک است که خیلی گران شده. خب حق بدهید دیگر ... تازه یک مقام مسئول گفته این گرانی تاثیری بر مسافرت های هوایی مردم نخواهد داشت!. حتما وقتی این مقام مسئول این طور می فرمایند، همین طور است، ما که با اسب هنوز رفت و آمد می کنیم خبر از هواپیماسوار ها نداریم!

- **یک چهره سیاسی: صحبت درباره کاندیداتوری ریاست جمهوری هنوز زود است .**

صحبت کردن، زود است، راه اندازی ستادهای انتخاباتی که زود نیست؟ افتتاح همزمان چند سایت و تغذیه چند مجله و...که دیر هم هست. بالاخره تا بچه ها گرم شوند، به صحبت کردن هم نزدیک می شویم. والا!

- **یک نویسنده محترم گفته وزارت ارشاد به نویسندگان وام تالیف بدهد تا ایده های نویسنده ها به خاطر بی پولی، حیف نشود و در طول مدت نگارش، زندگی شان بچرخد .**

خیلی طرح خوبی است و ما کلا با بچه های تحریریه ثبت نام می کنیم. البته با توجه به اینکه برای دولت، اصولا خط و ربط هنرمندان، زیاد مهم نیست، پیش بینی ما از پرداخت وام به نویسندگان، تساوی برای همه و تساوی تر برای بعضی هاست!

- **رییس جمهور: به محض این که دولت تصمیم می گیرد مقداری پول در جیب مردم بگذارد، برخی سروصدا می کنند و نمی گذارند**

ما غلط خوردیم! ما کوچیک شما هم هستیم؛ فقط این مقدار ما را بدهید، تو جیب هم نشد به حساب مان واریز کنید، باقی اش حل است، باور کنید اصلا در مورد گرانی همه چیز هیچ حرفی نمی زنیم فقط خدایی بگین کی این مقدار واریز می شود ما روش حساب کنیم! ضمنا اسامی آنها که نمی گذارند را هم به ما بدهید تا خودمان چپق شان را چاق کنیم.

- **سربازان کاشف مواد مخدردر زندان ها، پاداش می گیرند**

واقعا باید از مسئولان که این قدر به فکر سربازان هستند، تشکر کرد. اما اولا پاداش چی هست؟ ثانیا فقط کشف، پاداش دارد یا تحویل دادنش هم پاداش دارد؟ سرباز جماعت، اصلا مواد را از کجا شناسایی کند، یک وقت بچه را با گرد نخود و آرد برنج سرکار نگذارند، اضافه خدمت بخورد. راستی اصولا اگر سرباز جماعت کمک نکند یا شیتیل بگیرد و کشف نکند، زندان با خاک سفید چه فرقی دارد؟! یک نفر ما را روشن کند...

- **رویانیان : میلیون هزینه کردند تا دوباره برای پرسپولیس توطئه کنند**

با تشکر از ارائه آمار دقیق از سوی سردار، خواهش می کنیم اعلام کنند که ایشان چه مقدار هزینه کردند برای خنثی کردن توطئه های دشمنان. به هر حال پرسپولیس نه که تیم دولتی محسوب می شود و دولت هم اعتبارات همه را در نطفه خفه کرده، ایشان هم اصلا پولی ندارد که هزینه کند، برای ما جالب خواهد بود بدانیم که ماجرا چند چند است!

- **حدادعادل: گرانی کاغذ دست اندرکاران نشر را دچار مشکل کرده است**

آقا واقعا ما را شرمنده کردین. خدایی بعد از شش ماه این نکته شما، مرام کش کرد ما را! ما درمانده بودیم که چرا کسی کاری نمی کند که حالا شما قبول زحمت فرمودین و کشف کردین که بچه ها دچار مشکل شدند. البته با تشکر فراوان از این حضور به موقع در صحنه، خواهشمندیم برای حل مشکل هم یک نطقی بفرمایید. واقعا ما غریبیم!

■ **با احترام ؛میرزا**

## ویتامینه

این ۴ کتاب، شاید بهترین های نشر امسال در حوزه های مختلف باشد که به شدت طرفدار پیدا کرده است. بد نیست در خانه هر یک از ما یک نسخه از آن وجود داشته باشد.

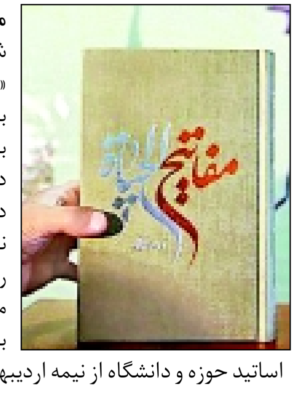

### مفاتیح الحیات

شاهکار آیت الله جوادی آملی «کلیدهایی برای زندگی بهتر در دنیا بر اساس آیات و روایات» بر اساس نیاز به دانایی در حوزه سبک زندگی در دنیا و بر اساس آیات و روایات وارده در ریزترین شئون زندگی انسان نوشته شده و یکی از معبرهای راهگشا در بحث سبک زندگی محسوب می شود. دائرةالمعارفی که بدون عنایت رسانه ملی، نخبگان و اساتید حوزه و دانشگاه از نیمه اردیبهشت امسال تا کنون بیش از ۶۰ بار تجدید چاپ شده و بالغ بر ۳۰۰هزار نسخه فروش داشته است. «مفاتیح الحیات» را جلد دوم مفاتیح یا همان آداب زندگی بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان(ع) می‌دانند که بی تردید بخش قابل ملاحظه ای از مطالبه رهبر انقلاب در خصوص سبک زندگی را برطرف می کند . کتابی که در ۴ بخش تدوین شده: «ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با دیگران، ارتباط انسان با طبیعت و ارتباط انسان با حیوانات». بیش از یک صد عنوان کتاب حدیثی و ۶ هزار حدیث برای این کتاب ارزشمند مورد استفاده قرار گرفته و حدود ۱۴ هزار عنوان تهیه شده است تا بتوان از تمام این احادیث، احادیث مرتبط را استخراج کرد.

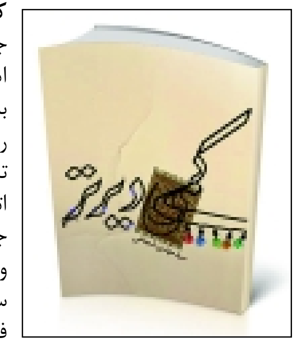

### کمی دیرتر

جدیدترین رمان شجاعی نگاهی ادبی - انتقادی به مدعیان انتظار به ویژه در محافل مذهبی دارد. رمان از چهار فصل زمستان، پاییز، تابستان و بهار تشکیل شده و با یک اتفاق شگفت و غریب آغاز می شود، جشن نیمه شعبان و مجلسی پرشور و بسیاری که فریاد «آقا بیا» سرداده‌اند... در این میان جوانی و فریادی که: «آقا نیا...» این شروع جذاب ما را با شخصیت هایی آشنا می کند که همه مدعی انتظارند اما وقتی هنگام عمل می رسد و هنگامه عمل به شعارها می رسد، آن نمی کنند که می گفتند. رمان در فضایی مکاشفه گونه و بی زمان پیش می رود و مواجهه همه آدم ها با قصه ظهور تصویر می شود و کشف چرایی«آقا نیا»ی جوان. شجاعی در این رمان به شکلی ظریف همه اقشار جامعه را با بهانه هایشان برای نخواستن امر ظهور، معرفی می کند. تا آنجاکه حتی به راوی هم رحم نمی کند و در فضایی بدیع، خودش را هم در معرض این امتحان می گذارد. نیستان این رمان پرطرفدار را منتشر کرده است.

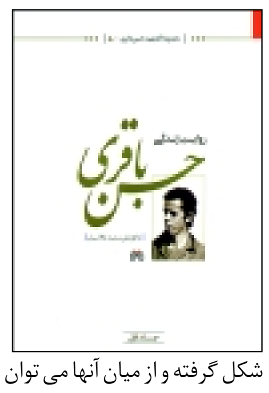

### حسن باقری

خواندن و دانستن از زندگی یکی از جوان اول های جنگ تحمیلی بدون تردید فوق العاده است. «روایت زندگی شهید حسن باقری» به کوشش سعید علامیان از سوی موسسه فرهنگی شهید باقری منتشر شد.این کتاب، نخستین مجلد از مجموعه روایتی سه جلدی درباره زندگی شهید باقری از بدو تولد تا زمان شهادت اوست که بر مبنای گفت وگو با بیش از ۱۵۰ راوی شکل گرفته و از میان آنها می توان به مصاحبه هایی با شهید محمدابراهیم همت، شهید مهدی زین الدین، شهیدمهدی باکری و شهید حمید معینیان در سال ۱۳۶۲ و گفتگو با شهید صیاد شیرازی در سال ۱۳۷۵ و مصاحبه با شهید داوود کریمی در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد . علاوه بر این برخی از مصاحبه های موجود در این کتاب که به تناوب در بخش های مختلفی از آن به کار گرفته شده است، مصاحبه هایی به صورت مکتوب با برخی سرداران دفاع مقدس هم به چشم می خورد. اغلب گفتگوها با شاهدان حاضر در این کتاب که در قید حیات هستند نیز از سال ۱۳۸۶ به بعد که نگارنده تالیف این کتاب را آغاز کرده است، به انجام رسیده است . این مصاحبه ها به صورت کامل و بدون هیچ دخل و تصرفی بر اساس متن گفتار راویان در کتاب درج شده است و حتی لحن و زبان آنها نیز در روایت مورد توجه و اعتنا قرار گرفته است.

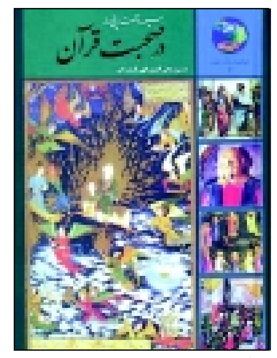

### ۳۶۵ روز با قرآن

دکتر الهی قمشه ای را همه می شناسند؛ بیانی شیرین و اطلاعاتی عمیق از حوزه های مختلف علوم انسانی دارد و یافته هایش گنجینه ای است که بیشتر ادبی - عرفانی است. ۳۶۵ روز در صحبت قرآن، چهارمین جلد از مجموعه «جوانان و فرهنگ جهانی» است. در این کتاب ۳۶۵قطعه کوتاه و بلند از کتاب وحی برای آشنایی جوانان با تعلیمات جهانی قرآن برگزیده شده است و کوشش شده که، این گزیده تصویری از اطوار گوناگون کلام آسمانی را برای مخاطب ترسیم کند. این کتاب، تفسیر در معنی اصطلاحی کلمه که به تفاسیری چون کشاف و مجمع البیان و امثال آن اطلاق می شود نیست، بلکه بیشتر انعکاسی از کتاب وحی در ادب عرفانی پارسی و اسلامی است و نگاهی است به قرآن از دیدگاه ادبی، زیباشناسی و اخلاقی، اجتماعی و عرفانی بدین مقصود که دعوت رسول اکرم و انبیای پیشین در جهت بیدار کردن فطرت انسانها و یادآوری پیوند عاشقی و معشوقی میان انسان و پروردگار در دلهای جوانان بنشیند. انتشارات سخن این کتاب را منتشر کرده است.

■ **فرهاد کاوه**

## بوی بارون

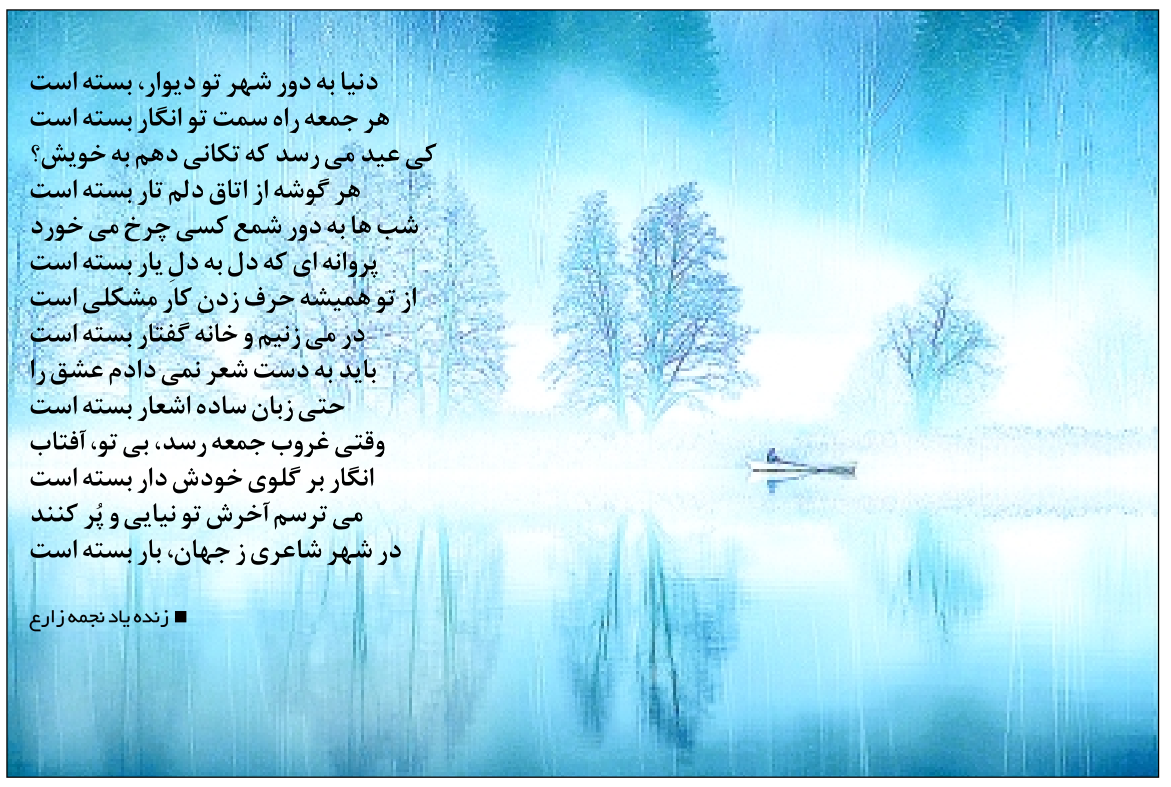

دنیا به دور شهر تو دیوار، بسته است
هر جمعه راه سمت تو انگار بسته است
کی عید می رسد که تکانی دهم به خویش؟
هر گوشه از اتاق دلم تار بسته است
شب ها به دور شمع کسی چرخ می خورد
پروانه ای که دل به دلِ یار بسته است
از تو همیشه حرف زدن کارِ مشکلی است
در می زنیم و خانه گفتار بسته است
باید به دست شعر نمی دادم عشق را
حتی زبان ساده اشعار بسته است
وقتی غروب جمعه رسد، بی تو، آفتاب
انگار بر گلوی خودش دار بسته است
می ترسم آخرش تو نیایی و پُر کنند
در شهر شاعری ز جهان، بار بسته است

■ زنده یاد نجمه زارع